

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۷۵-۹۶

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی: مطالعه موردی زنان کارآفرین روستاهای شهرستان بهشهر

محمد مهدی مردانشاهی و سید اسماعیل نظام زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۳

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی شکل گرفت. جامعه آماری تحقیق را ۵۶ نفر از زنان کارآفرین روستاهای شهرستان بهشهر تشکیل دادند که به روش سرشماری بررسی شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن با کسب نظر استادان دانشگاه و کارشناسان مربوط و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۹۲) تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS²⁰ استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه‌ای معنی‌دار بین عوامل سیاست‌گذاری، اجتماعی- فرهنگی، فنی و اقتصادی با قابلیت کارآفرینی وجود دارد؛ و قابلیت کارآفرینی ۳۳/۹۳ درصد زنان مورد مطالعه در سطح خوب و ۱۶/۰۷ درصد آنها در حد ضعیف است. نتایج رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که متغیرهای عوامل سیاست‌گذاری و اجتماعی- فرهنگی ۲۲/۷ درصد از تغییرات قابلیت کارآفرینی زنان روستایی را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: قابلیت کارآفرینی، زنان کارآفرین، زنان روستایی، کارآفرینی روستایی، بهشهر (شهرستان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و دکتری کارآفرینی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران (mehdy1352@yahoo.com)؛ و دانشجوی دکتری گروه زراعت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، ایران.

مقدمه

در نظریه‌های جدید توسعه روستایی، از کارآفرینی روستایی به عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای تغییر الگوی زندگی کنونی، کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی یاد می‌شود (۹). تجربه بسیاری از کشورهای فقیر پرجمعیت که طیف وسیعی از جمعیت آنها را روستاییان تشکیل می‌دهند، بیانگر این نکته است که توجه به مقوله کارآفرینی می‌تواند از مهاجرت روستاییان به شهرها کاسته و زمینه‌های اشتغال، رفاه و پیشرفت در همان روستای محل سکونت آنها را فراهم کند (۴۱). بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش تنوع اقتصادی در روستاها، پایداری اقتصادی افزایش می‌یابد (۳۴). با این وصف، کارآفرینی روستایی راهکاری نو در راستای توانمندسازی روستاییان و ظرفیت‌سازی برای آنها و نیز ابزاری مهم در رسیدن به توسعه پایدار روستایی است (۱۷). از این رو، سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن از اهمیت ویژه برخوردار است (۷). از سوی دیگر، یافته‌های علمی گویای این واقعیت است که توسعه و رشد اقتصادی در مناطق روستایی محقق نمی‌شود مگر اینکه زنان روستایی در تمام جهات و ابعاد توسعه مداخله مستقیم داشته باشند (۱۲). بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، امکان‌پذیر نیست (۸، ۳۳). در نظریه‌های توسعه پایدار روستایی نیز بر افزایش مشارکت و ایجاد فرصت‌های برابر به‌ویژه برای زنان روستایی بسیار تأکید شده است (۲۳). البته در این خصوص مطالعاتی نیز صورت گرفته است که در ادامه، به اهم آنها اشاره می‌شود.

مولنهوریس (۲۹) در پژوهش خود بدین نتیجه دست یافت که برای برقراری پیوند منطقی بین کشاورزی و توسعه اقتصادی ملی، به کمک افرادی نیاز است که با ویژگی‌های خاص خود، بین این دو رابطه برقرار کنند. او از این افراد به عنوان کارآفرین کشاورزی یاد می‌کند. از سوی دیگر، شناسایی استعدادها و کارآفرینی روستاییان به‌ویژه زنان روستایی و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق

فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن اهمیت ویژه دارد (۳۷). بر این اساس، یکی از راهبردهای بلندمدت توسعه کارآفرینی روستایی توجه به زنان روستایی و فراهم کردن زمینه‌هایی برای توانمندسازی آنهاست (۳۷). ساتیاباما (۳۵) نیز با بررسی توانمندسازی زنان روستایی و توسعه کارآفرینی، بدین نتیجه رسیده است که زنان کارآفرین علاوه بر اینکه با موانع بازاریابی برای تولیداتشان مواجه‌اند، عوامل دیگری همچون مسئولیت‌های خانوادگی نیز مانع دستیابی آنها به بعضی از فرصت‌ها می‌شود؛ افزون بر این، آنها در بعضی از کشورها با موانعی در زمینه حق مالکیت دارایی‌هایشان مواجه‌اند. همچنین، نتایج پژوهش جمینی و همکاران (۲۱) نشان داد که از نظر زنان روستایی، مهم‌ترین عواملی که در توسعه کارآفرینی می‌توانند مؤثر باشند، به ترتیب، عبارت‌اند از: عوامل اقتصادی، محیطی، فردی-مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی، آموزشی-ترویجی، و فنی.

ياسوری و همکاران (۳۹) نیز نتیجه گرفتند که سه عامل انگیزش و پشتکار، قابلیت‌های طبیعی و قابلیت‌های فردی زنان از عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در آنها به‌شمار می‌روند و کمبود امکانات، عوامل فرهنگی، مالی، دولتی و عوامل خانوادگی و فردی نیز از جمله موانع توسعه کسب و کار زنان روستایی محسوب می‌شوند.

چودھاری و رایالوار (۶) در پژوهش خود در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های زنان روستایی کارآفرین در هند، الزامات توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی را تغییر در نگرش سنتی، خدمات حمایتی از قبیل آموزش، تخصیص بودجه جداگانه برای زنان کارآفرین، تأمین زیرساخت‌های مناسب، تقدیر دولت از کارآفرینان نمونه و رقابت در بازارهای محلی و ملی عنوان کردند. کلانتری و همکاران (۲۲) نیز مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان را سه عامل (مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی) و مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان را چهار مؤلفه (فردی-روانشناختی، مشارکت اقتصادی، زیرساختاری، و اجتماعی-نهادی) معرفی کردند. اما وندی و چانگ (۳۶) در بررسی موانع عمده پیش روی زنان کارآفرین روستایی، موانع عمده را طبقه اجتماعی، فضای حیاتی، پایین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع، انزوای روستا،

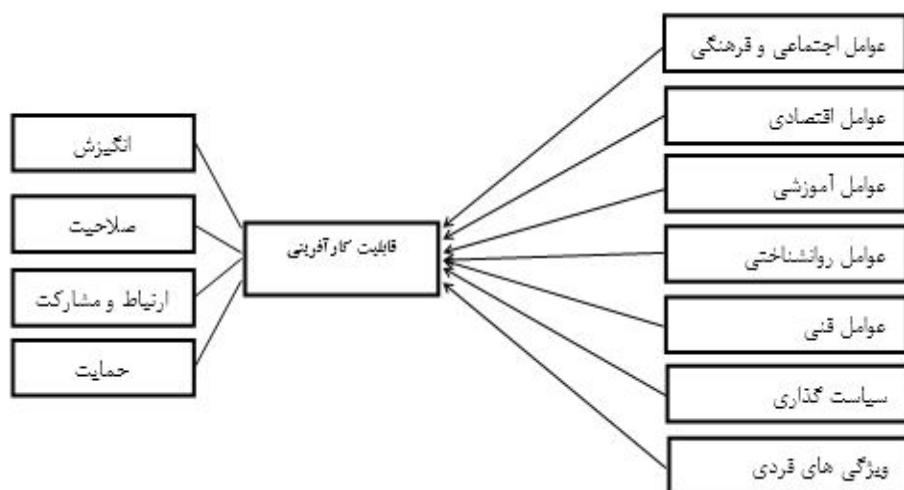
دسترسی نداشتن به دانش فنی، و پایین بودن مهارت برمی شمارند. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش قادرمرزی و همکاران (۱۳)، سه عامل نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی و عدم توانایی رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد، به ترتیب، مهم ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی است. علی دوست و لشگرآرا (۱) نیز با هدف اولویت بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار، نشان دادند که موانع اقتصادی و آموزشی به ترتیب مهم ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی زنان روستایی این شهرستان به شمار می روند، در حالی که حیدری ساریان (۱۸) موانع مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی را چهار عامل اصلی می داند که هر کدام زیرمجموعه هایی را نیز شامل می شوند؛ این موانع عبارت اند از: الف) موانع فردی، ب) موانع اجتماعی - فرهنگی، ج) موانع روان شناختی، و د) موانع اقتصادی.

با این اوصاف، برای توانمندسازی و توسعه کارآفرینی ضروری است تا عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی نیز مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که هوارد (۱۹) در بررسی تأثیر قابلیت های کارآفرینی بر کارآفرینی دانش آموزان نتیجه می گیرد، رابطه ای مستقیم بین این قابلیت ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد. مطالعاتی نیز به بررسی وضعیت قابلیت کارآفرینی و نقش آن در خروجی های نظام های آموزشی می پردازند، که از آن جمله اند: پژوهش های بدری (۲)، غفاری (۱۱) و موسوی و نیلی (۳۱) که قابلیت های کارآفرینی دانشجویان را بالاتر از میانگین نشان می دهد؛ و یا مرادی و شعبانعلی فمی (۳۰) که نشان دادند بین دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی در سال های مختلف تحصیلی و همچنین، بین شغل والدین دانشجویان و قابلیت های کارآفرینی آنها تفاوت معنی دار وجود دارد؛ و نیز یافته های مردانشاهی و دولتی (۲۷) که نشان می دهد قابلیت کارآفرینی اغلب دانشجویان ضعیف است و بین دانشکده های مورد مطالعه اختلاف معنی دار وجود دارد.

هرچند، بر پایه نتایج بررسی پیشینه مطالعات کارآفرینی، کارآفرینان از ویژگی ها و قابلیت های مخصوص برخوردارند؛ اما در این میان، یک مجموعه پذیرفته شده جامع از قابلیت های کارآفرینان وجود ندارد (۳۸) و در این پژوهش ها، هر کدام از محققان به خصوصیات در این زمینه اشاره کرده اند (۳۸).

در واقع، تحقیقات نشان می‌دهند که در افراد، قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنها می‌شود (۳). برخی از محققان به ابعاد روان‌شناختی همچون داشتن تفکر واگرا، تفکر جانبی، تفکر مثبت و تفکر خلاق تأکید می‌کنند؛ گروهی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنسیت، سابقه خانوادگی و میزان تحصیلات را مهم می‌دانند و برخی دیگر به مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنند (۱۶). پرداختچی و شفیع‌زاده (۳۲) نیز برای شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی افراد، به سنجش مؤلفه‌های انگیزش (انگیزه کلی برای شروع و اجرای یک فعالیت جدید)، صلاحیت (صلاحیت و توانایی‌های مرتبط با مهارت‌های شغلی)، ارتباط و مشارکت (توانایی در برقراری ارتباط و مشارکت با افراد و سازمان‌های دیگر)، حمایت (میزان حمایت احساس‌شده از طرف خانواده و جامعه در هنگام پیگیری فرصت‌های شغلی) می‌پردازند.

از این‌رو، بر پایه مطالعات صورت‌گرفته و به منظور بررسی عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی، چارچوب نظری تحقیق بدین صورت تدوین شده است:



شکل ۱- چارچوب نظری تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر، به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی بوده و جامعه آماری تحقیق شامل ۵۶ نفر از زنان کارآفرین روستاهای شهرستان بهشهر است که به طریق سرشماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در تحقیق حاضر، زنان کارآفرین عبارت‌اند از زنان ساکن در مناطق روستایی و دارای ویژگی‌هایی بدین شرح: حداقل سن هجده سال و حداقل مدرک تحصیلی سیکل؛ کسب‌وکاری را ایجاد کرده و آن را اداره می‌کنند؛ حداقل یک سال از فعالیت آنها گذشته است؛ تعداد کارکنان آنها حداقل از یک نفر بیشتر است؛ و فروش، سود یا نوآوری در محصولات خود دارند. جمع‌آوری اطلاعات تحقیق به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته و این پرسشنامه دارای دو بخش است که در بخش اول، ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان در قالب سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، سابقه شرکت در کلاس‌های آموزشی و در بخش دوم، عوامل روان‌شناختی (شش گویه)، اجتماعی و فرهنگی (نه گویه)، آموزشی (پنج گویه)، فنی (چهار گویه)، اقتصادی (نه گویه)، و سیاست‌گذاری (سه گویه) در قالب طیف لیکرت پنج‌قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) و همچنین، قابلیت کارآفرینی با ۳۲ گویه شامل انگیزش (دوازده گویه)، صلاحیت (نه گویه)، ارتباط و مشارکت (شش گویه)، حمایت (پنج گویه) در دامنه نمره ۱ تا ۱۰ ارزیابی می‌شوند (۳۲). روایی پرسشنامه با کسب نظر استادان دانشگاه و کارشناسان مربوط تأیید شده و برای تعیین پایایی آن، از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده، که مقدار آن برای هر کدام از مؤلفه‌ها بدین شرح به‌دست آمده است: انگیزش ۰/۷۲۳، صلاحیت ۰/۸۹۹، ارتباط ۰/۸۳۶، حمایت ۰/۷۲۱، اجتماعی ۰/۷۰۸، اقتصادی ۰/۸۳۰، آموزشی ۰/۷۴۹، روان‌شناختی ۰/۷۱۱، فنی ۰/۷۴۱، سیاست‌گذاری ۰/۸۴۸ و در کل، ۰/۸۹۲، که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است. به منظور تحلیل داده‌های تحقیق، از آمارهای توصیفی همانند درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و فاصله انحراف معیار از میانگین^(۱) و نیز از آمارهای استنباطی همچون آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است.

نتایج و بحث

مشخصات فردی - حرفه‌ای پاسخ‌گویان

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۹۶/۴ درصد دیگر متأهل بودند؛ ۲۶/۸ درصد از آنها ۱۸ تا ۲۵ سال، ۴۲/۹ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۲۱/۴ درصد ۳۵ تا ۴۵ سال، ۷/۱ درصد ۴۵ تا ۵۵ سال، و کمتر از چهار درصد بیش از ۵۵ سال سن داشتند؛ همچنین، ۳۰/۳۶ درصد در کلاس‌های آموزشی کارآفرینی شرکت کرده بودند؛ سطح تحصیلات ۱۲/۵ درصد زیر دیپلم، ۴۴/۶ درصد دیپلم، ۱۷/۹ درصد فوق دیپلم، ۲۱/۴ درصد لیسانس و ۳/۶ درصد بالاتر از لیسانس بود؛ همچنین، کسب‌وکارهای روستایی زنان مورد مطالعه در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، خدمات و صنایع تبدیلی بوده، غالب آنها (۷۸/۵ درصد) بین یک تا پنج سال و بقیه نیز بین پنج تا ده سال سابقه فعالیت داشتند.

عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

عوامل اجتماعی و فرهنگی

برای رتبه‌بندی عوامل اجتماعی و فرهنگی، از نُه گویه استفاده شد (جدول ۱). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار ($CV=28/98$)، و وظایف زیاد زنان در خانواده ($CV=29/45$) و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت ($CV=32/91$) در بالاترین اولویت‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی قرار گرفته‌اند.

عوامل اقتصادی

برای رتبه‌بندی عوامل اقتصادی، از نُه گویه استفاده شد (جدول ۲). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، عدم توانایی برای پیگیری امور بانکی ($CV=31/94$)، ناآشنایی با بازارهای ملی و منطقه‌ای ($CV=32/42$) و عدم ثبات قیمت محصولات ($CV=35/08$) مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی شناخته شده‌اند.

جدول ۱- رتبه بندی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۲۸/۹۸	۱/۰۹	۳/۷۶	وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار
۲	۲۹/۴۵	۱/۱۴	۳/۸۷	وظایف زیاد زنان در خانواده
۳	۳۲/۹۱	۱/۰۵	۳/۱۹	محدودیت های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت
۴	۳۶/۸۲	۱/۰۹	۲/۹۶	عدم باور و اعتماد جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی
۵	۳۶/۹۲	۱/۲۰	۳/۲۵	نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین
۶	۳۷	۱/۱۱	۳	عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب و کار
۷	۳۷/۵	۱/۱۷	۳/۱۲	ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار
۸	۳۹/۰۴	۱/۱۴	۲/۹۲	نگاه نه چندان مثبت به حضور زنان در بازار آزاد کار و تجارت
۹	۴۱/۶۳	۱/۲۷	۳/۰۵	اجازه ندادن همسر برای اشتغال زنان در بازار و امور تجاری

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۲- رتبه بندی عوامل اقتصادی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۱/۹۴	۱/۱۵	۳/۶۰	عدم توانایی برای پیگیری امور بانکی
۲	۳۲/۴۲	۱/۰۷	۳/۳۰	ناآشنایی با بازارهای ملی و منطقه ای
۳	۳۵/۰۸	۱/۲۷	۳/۶۲	عدم ثبات قیمت محصولات
۴	۳۶/۰۳	۱/۲۹	۳/۵۸	عدم تنوع در فعالیت های اقتصادی روستا
۵	۳۸/۱۲	۱/۳۰	۳/۴۱	عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد
۶	۳۸/۶۱	۱/۱۷	۳/۰۳	نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازار برای تنوع فعالیت اقتصادی
۷	۴۰/۳۹	۱/۲۴	۳/۰۷	نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی
۸	۴۳/۶۳	۱/۲۰	۲/۷۵	دریافت ناعادلانه منافع در مقایسه با مردان
۹	۴۷/۲۱	۱/۲۷	۲/۶۹	نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

مأخذ: یافته های پژوهش

عوامل آموزشی

برای رتبه‌بندی عوامل آموزشی، از پنج گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شد (جدول ۳). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی در بین زنان ($CV=36/61$) و پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی ($CV=37/01$) مهم‌ترین عوامل آموزشی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی دانسته شده‌اند.

عوامل روان‌شناختی

برای رتبه‌بندی عوامل روان‌شناختی، از شش گویه استفاده شد (جدول ۴). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، عدم شناسایی به موقع فرصت‌های محلی موجود برای ایجاد کار جدید ($CV=36/87$)، ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده ($CV=37/06$) و عدم اعتماد به نفس و خوداتکایی ($CV=38/36$) مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی شناخته شده‌اند.

عوامل فنی

برای رتبه‌بندی عوامل فنی، از چهار گویه استفاده شد (جدول ۵). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، دسترسی پایین به متخصصان و مشاوران فنی ($CV=31/37$) و مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین ($CV=34/49$) مهم‌ترین عوامل فنی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی تعیین شده‌اند.

عوامل سیاست‌گذاری

برای رتبه‌بندی عوامل سیاست‌گذاری، از سه گویه استفاده شد (جدول ۶). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاهای کشور ($CV=33/06$) بالاترین رتبه عوامل سیاست‌گذاری مؤثر بر قابلیت کارآفرینی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳- رتبه بندی عوامل آموزشی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۶/۶۱	۱/۰۴	۲/۸۴	کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی در بین زنان
۲	۳۷/۰۱	۱/۱۴	۳/۰۸	پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی
۳	۳۷/۲	۱/۱۲	۳/۰۱	عدم دسترسی به اطلاعات و فناوری های نوین
۴	۳۸/۸	۱/۲۳	۳/۱۷	نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید
۵	۴۵/۲۵	۱/۴۳	۳/۱۶	عدم وجود کلاس های تخصصی مربوط به کارآفرینی زنان

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۴- رتبه بندی عوامل روان شناختی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۶/۸۷	۱/۱۱	۳/۰۱	عدم شناسایی به موقع فرصت های محلی موجود برای ایجاد کار
۲	۳۷/۰۶	۱/۰۶	۲/۸۶	ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش بینی نشده
۳	۳۸/۳۶	۱/۱۷	۳/۰۵	عدم اعتماد به نفس و خوداتکایی
۴	۳۹/۳۶	۱/۲۴	۳/۱۵	پایین بودن سطح مهارت های ارتباطی
۵	۴۰/۳	۱/۰۶	۲/۶۳	پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو
۶	۴۷/۱۷	۱/۴۲	۳/۰۱	پایین بودن سطح مخاطره برای ایجاد اشتغال جدید

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۵- رتبه بندی عوامل فنی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۱/۳۷	۱/۱۲	۳/۵۷	دسترسی پایین به متخصصان و مشاوران فنی
۲	۳۴/۴۹	۱/۰۹	۳/۱۶	مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین
۳	۳۵/۰۸	۱/۲۰	۳/۴۲	عدم دسترسی به نهادهای تولید (زمین یا نیروی متخصص)
۴	۴۹/۸۵	۱/۶۹	۳/۳۹	عدم دسترسی به فناوری های جدید

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

مأخذ: یافته های پژوهش

دول ۶- رتبه‌بندی عوامل سیاست‌گذاری مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۳/۰۶	۱/۲۵	۳/۷۸	نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاها
۲	۳۶/۵	۱/۱۹	۳/۲۶	وجود محدودیت زیاد برای فعالیت اقتصادی مستقل زنان در جامعه
۳	۳۷/۵۳	۱/۴	۳/۷۳	نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور

مقیاس: ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد
 مأخذ: یافته‌های پژوهش

میزان قابلیت کارآفرینی در زنان

برای اولویت‌بندی قابلیت کارآفرینی، از پاسخ‌گویان خواسته شد تا نظر خود را در مورد ۳۲ گویه مرتبط با قابلیت کارآفرینی بیان کنند. همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد، از مؤلفه‌های قابلیت کارآفرینی (انگیزش، صلاحیت، ارتباط و مشارکت با دیگران، و حمایت)، انگیزش ($CV=27/55$) بالاترین رتبه مؤلفه‌های قابلیت کارآفرینی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۷- رتبه‌بندی مؤلفه‌های قابلیت کارآفرینی

رتبه	ضریب پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۲۷/۵۵	۲۲/۱۶	۸۰/۴۱	انگیزش
۲	۴۶/۶۳	۱۵/۱۲	۳۲/۴۲	ارتباط و مشارکت
۳	۴۷/۵۳	۲۰/۸	۴۳/۷۶	صلاحیت
۴	۵۴/۹۵	۱۱/۸۶	۲۱/۵۸	حمایت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

وضعیت قابلیت کارآفرینی در زنان

به منظور بررسی وضعیت قابلیت کارآفرینی زنان، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همان‌گونه که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، بین میانگین انگیزش، ارتباط و مشارکت و در نهایت، قابلیت کارآفرینی از لحاظ پاسخ‌گویی زنان مورد مطالعه با اطمینان ۹۹ درصد

تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج مربوط به تفاوت میانگین نشان می‌دهد که اختلاف هر سه شاخص مثبت و بالاتر از میانگین بوده است. اما مؤلفه‌های صلاحیت و حمایت فاقد اختلاف معنی دار بوده و به ویژه در خصوص مؤلفه حمایت، زنان مورد مطالعه از شرایط مطلوب برخوردار نیستند. در واقع، نتایج حاکی از آن است که انگیزه کلی برای شروع و اجرای فعالیت و همچنین، توانایی برقراری ارتباط و مشارکت با دیگر افراد و سازمان‌ها در زنان مورد مطالعه مناسب بوده است، لیکن آنها در بخش صلاحیت و توانمندی مرتبط با مهارت‌های شغلی و همچنین، حمایت‌های مورد نیاز از سوی خانواده و جامعه در تنگنا قرار دارند.

جدول ۸- نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه وضعیت قابلیت کارآفرینی

مؤلفه	میانگین	تفاوت میانگین	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
انگیزش	۶/۷۱	۱/۷۱	۷/۰۴۳	۵۵	۰/۰۰۰
صلاحیت	۵/۱۸	۰/۱۸	۰/۶۸۲	۵۵	۰/۴۹۸
ارتباط و مشارکت	۵/۷۹	۰/۷۹	۲/۹۳۸	۵۵	۰/۰۰۵
حمایت	۴/۹۲	-۰/۰۸	۰/۳۲۰	۵۵	۰/۷۵۰
قابلیت کارآفرینی	۵/۶۵	۰/۶۵	۳/۱۴۷	۵۵	۰/۰۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (قابلیت کارآفرینی)

همان‌گونه که جدول ۹ و نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، از بین عوامل مورد مطالعه، عامل سیاست‌گذاری در سطح معنی‌داری یک درصد دارای رابطه مثبت، عامل اجتماعی- فرهنگی در سطح معنی‌داری یک درصد دارای رابطه منفی و همچنین، عوامل فنی و اقتصادی در سطح معنی‌داری پنج درصد دارای رابطه مثبت با قابلیت کارآفرینی هستند. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه بین عوامل اجتماعی- فرهنگی، فنی و اقتصادی و قابلیت و توسعه کارآفرینی با نتایج زارعی پهنه کلائی و همکاران (۴۰)، خدانشناس گل‌افشانی (۲۴)، میرک‌زاده و غیاثی (۲۸)،

وجود رابطه بین عوامل اجتماعی- فرهنگی، و اقتصادی و قابلیت کارآفرینی با نتایج کلانتری و همکاران (۲۲)، گلستانی و همکاران (۱۵)، یعقوبی فرانی و همکاران (۳۷)، وجود رابطه بین عامل اقتصادی و قابلیت کارآفرینی با نتایج جمینی و همکاران (۲۱) و نیز وجود رابطه بین عامل سیاسی و قابلیت کارآفرینی با نتایج تحقیقات لشگرآرا و همکاران (۲۵) همسویی دارد. همچنین، وجود رابطه بین عامل فنی و قابلیت کارآفرینی با نتایج هایدن (۲۰) که به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی برزیل پرداخت، همخوانی دارد.

جدول ۹- همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (قابلیت کارآفرینی)

قابلیت کارآفرینی		متغیر
سطح معنی داری	ضریب همبستگی (r)	
۰/۶۰۷	۰/۰۷۰	روان‌شناختی
۰/۰۰۷	-۰/۳۵۷**	اجتماعی و فرهنگی
۰/۸۹۴	۰/۰۱۸	آموزشی
۰/۰۰۱	۰/۴۱۶**	سیاست‌گذاری
۰/۰۲۹	۰/۲۹۱*	اقتصادی
۰/۰۴۲	۰/۲۷۳*	فنی

* معنی‌داری در سطح یک درصد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تحلیل رگرسیون عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی

به منظور بررسی نقش متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیونی چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی‌دار، متغیرهای «سیاست‌گذاری» و «اجتماعی- فرهنگی» در معادله باقی ماندند. این متغیرها ۲۲/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که با توجه به رگرسیون استانداردشده، متغیر سیاست‌گذاری ($\beta=۰/۳۶۳$) سهم و نقش بیشتری در قابلیت کارآفرینی دارد.

جدول ۱۰- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه (گام به گام)

معنی‌داری	T	Beta	B	متغیر
۰/۰۰۰	۴/۷۰۵		۲۳/۱۷۶	ضریب ثابت
۰/۰۰۴	۳/۰۱	۰/۳۶۳	۲/۲۵	عامل سیاست‌گذاری
۰/۰۱۹	-۲/۴۱۱	-۰/۲۹۱	-۲/۶۷۶	عامل اجتماعی- فرهنگی

$$R^2=0/505 \quad R^2_{Ad}=0/227 \quad F=9/067 \quad \text{معنی‌داری}=0/000$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده، معادله خطی حاصل از رگرسیون به صورت زیر است:

$$Y = 23/176 + 2/25 (X_1) - 2/676 (X_2)$$

که در آن، X_1 و X_2 به ترتیب میزان عوامل سیاست‌گذاری و اجتماعی- فرهنگی است.

همان‌گونه که نتایج رگرسیون نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی- فرهنگی و سیاست‌گذاری به عنوان عوامل اصلی و تأثیرگذار بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی شناخته شده‌اند. البته بتای منفی به دست آمده در جدول ۱۰ و رابطه منفی حاصل شده در جدول ۹ برای عوامل اجتماعی- فرهنگی نشان از نقش منفی این عوامل در قابلیت کارآفرینی دارد، به گونه‌ای که افزایش وابستگی زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار، وظایف زیاد زنان در خانواده و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت در قالب سه اولویت نخست پاسخ‌گویان به اثری معکوس بر تقویت قابلیت کارآفرینی زنان کارآفرین خواهد انجامید.

اما عوامل سیاست‌گذاری شامل نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاهای کشور، وجود محدودیت زیاد برای فعالیت‌های اقتصادی مستقل زنان در جامعه و نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور در بالاترین اولویت تأثیرگذاری بر قابلیت کارآفرینی زنان قرار گرفته‌اند و از آنجا که تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن اهمیت ویژه دارد (۸) و نیز توسعه کارآفرینی در روستاها از راه حل‌های مفید شناخته شده برای رسیدن به توسعه روستایی است و برای تحقق آن، وجود

برخی توانایی‌ها و قابلیت‌ها ضروری می‌نماید، ایجاد و تقویت تفکر کارآفرینی و رونق کسب‌وکار میان زنان روستایی بر اساس قابلیت‌های موجود بسیار مفید خواهد بود. زنان روستایی، در صورتی که درست هدایت شوند، با استفاده از استعدادهای بالقوه و بالفعل خود امکان راه‌اندازی کسب‌وکار را به صورت فردی و گروهی دارند و می‌توانند کارآفرین شوند (۳۹). با این اوصاف، ضرورت شکل‌گیری سازمان‌های متولی امور بانوان و حمایت از این سازمان‌ها و نیز توجه به نقش زنان در سیاست‌های توسعه بیش از پیش نمایان می‌شود، چراکه توسعه برابر و پایدار در جامعه بدون در نظر داشتن نقش و جایگاه زنان روستایی در کشور دست‌نیافتنی است. فراموش کردن زنان روستایی در برنامه‌های توسعه و نداشتن برنامه‌ریزی برای شناسایی و رفع موانع فراروی این قشر برای بهبود میزان مشارکت آنها در حوزه‌های مختلف به‌ویژه ابعاد اقتصادی می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را به پیکره اجتماع وارد سازد و فرایند توسعه روستایی را با تأخیر جدی روبه‌رو کند (۳۳).

از سوی دیگر، از آنجا که شرایط اجتماعی و فرهنگی بسترساز بروز کارآفرینی و پیدایش و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه بوده و از این رو، از متغیرهای زمینه‌ای مهم در توسعه کارآفرینی به حساب می‌آید (۸، ۲۶ و ۳۳)، با توجه به نقش مشارکت اجتماعی در موفقیت زنان کارآفرین (۱۴) و همچنین، نظر به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر اولویت و تأثیرگذاری وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار، وظایف زیاد زنان در خانواده و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت و نیز نقش عامل اجتماعی - فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع بهبود فعالیت اقتصادی زنان (۳۳)، بالا بردن آگاهی اجتماعی زنان از جمله عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی آنها به‌شمار می‌رود (۱۰، ۵ و ۲۳)، زیرا زنانی که با شبکه‌های اجتماعی بیشتری در تعامل هستند، خدمات اجتماعی و گاهی اقتصادی بیشتری دریافت می‌کنند (۴)، آگاهی‌های بیشتری درباره جامعه دارند و با در اختیار داشتن آزادی نسبی در حرکت، توانایی خود را بهبود می‌بخشند (۲۲). البته ناگفته پیداست که در جوامع روستایی، مردان بنا به دلایل مختلف از جمله شرایط حاکم بر روستا و داشتن هنجارها و تعصبات، اعتماد زیادی به

زنان ندارند و در بیشتر موارد، اجازه اشتغال و فعالیت خارج از منزل را به آنها برای کسب درآمد نمی دهند و بیشتر ترجیح می دهند زنان به فعالیت های داخل منزل بپردازند تا اینکه بخواهند در خارج از منزل فعالیت اقتصادی داشته باشند (۳۳)، که این امر طبق نتایج ساتیاباما (۳۵)، مانع دستیابی زنان کارآفرین به بعضی از فرصت ها می شود و به علاوه، آنها را در بعضی از کشورها با موانعی در ارتباط با حق مالکیت دارایی هایشان مواجه می سازد.

افزون بر موارد اشاره شده، زیاد بودن مسئولیت و مشغله کاری داخل منزل، بی اعتمادی زنان روستایی به یکدیگر برای همکاری و فعالیت های مشارکتی و نبودن فرصت های کافی برای زنان روستایی به منظور آموزش و کسب مهارت های مورد نیاز نیز از دیگر مواردی است که سبب کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان در روستاها شده است (۳۳).

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش، عوامل اجتماعی - فرهنگی و سیاست گذاری به عنوان عوامل اصلی و تأثیرگذار بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی شناخته شده اند. در پی رتبه بندی عوامل اجتماعی - فرهنگی، وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار، وظایف زیاد زنان در خانواده و محدودیت های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت در بالاترین اولویت عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قابلیت کارآفرینی قرار گرفته اند که با توجه به رابطه منفی و معنی دار آن با قابلیت کارآفرینی، اصلاح و بهبود شرایط در این حوزه منوط به اصلاح انتظارات فرهنگی و اجتماعی از زنان و بازنگری در نقش زنان به عنوان بخشی مؤثر و فعال و پویا در جامعه است. هرچند، وظایف زنان در خانواده و مسئولیت های مترتب بر آنها از جمله وظایف سنگین و در عین حال، دارای اهمیت فراوان در تأمین سلامت روانی و اجتماعی و تقویت بنیان خانواده است، اما بی بهره ماندن از توان ها و توانمندی های بخش بزرگی از جامعه در فعالیت ها و کوشش های اقتصادی مانع رشد و پیشرفت همه جانبه و بروز خلاقیت و استعداد های زنان کارآفرین می شود. در خصوص عوامل سیاست گذاری نیز نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاهای کشور بالاترین رتبه عوامل سیاست گذاری مؤثر بر قابلیت

کارآفرینی را به خود اختصاص داده است که با توجه به نقش زنان در جامعه و به‌ویژه در روستاها، ضرورت حضور سازمان‌ها و تشکل‌های حامی و پیگیر فعالیت‌های زنان کارآفرین را بیش از پیش نمایان می‌سازد، چراکه اتکای صرف به نقش اقتصادی مردان و عدم ایفای نقش فعال زنان در اقتصاد خانواده، در نهایت، باعث بی‌نصیب ماندن از این توان‌ها و خدشه به بنیان اقتصادی و فرهنگی خانواده و روستا می‌شود.

از این‌رو، بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

○ در بعد سیاست‌گذاری

- ۱- با توجه به نقش عوامل سیاست‌گذاری و کاستی زنان مورد مطالعه در برخورداری از حمایت خانواده و جامعه، امکان شکل‌گیری و تقویت سازمان‌های متولی حمایت از زنان کارآفرین در جامعه فراهم آید؛
- ۲- از طریق تدوین و اصلاح شیوه‌نامه‌ها و مقررات و نیز تخصیص اعتبارات کم‌بهره در نظام بانکی کشور و همچنین، امکان سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای پربازده و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری از طریق بیمه‌ها، زمینه رفع محدودیت‌های فعالیت اقتصادی مستقل برای زنان روستایی فراهم شود؛ و
- ۳- با اجرای برنامه‌های آموزشی و توجیهی برای مدیران و سیاست‌گذاران، از یک سو، در نگاه و اعتماد آنها به توان‌ها و توانمندی‌های زنان کارآفرین تغییر صورت پذیرفته و از سوی دیگر، زمینه‌های اثرگذاری و تقویت جایگاه زنان در راهبردهای توسعه روستایی در سیاست‌های کلان توسعه کشور پذیرفته و لحاظ شود.

○ در بعد اجتماعی- فرهنگی

- ۱- از طریق رسانه‌های گروهی، برنامه‌های ترویجی و تقاضامحور تدوین و اجرا شود تا ضمن تشریح حقوق اجتماعی- فرهنگی زنان روستایی و معرفی نقش و ارزش اشتغال و کارآفرینی زنان و نیز جلب حمایت جامعه از فعالیت‌های زنان کارآفرین، آگاه‌سازی آنها از جایگاه، توانایی‌های بالقوه و نقش مؤثر خود در توسعه صورت گیرد؛

- ۲- با افزایش سطح آگاهی مردان روستایی و تشویق مردان به باور توانمندی‌های زنان روستایی و پرهیز از محدودیت‌های اجتماعی و همچنین، ترویج فرهنگ مشارکت در تقسیم وظایف در خانواده، زمینه فعالیت جدی‌تر زنان و پیشبرد اقتصاد خانواده، روستا و منطقه فراهم شود؛
- ۳- به منظور ترویج فرهنگ کارآفرینی، با شناسایی و تقدیر از زنان موفق و صاحب کسب و کار و کارآفرین (ترجیحاً با شرایط مشابه جامعه هدف) و معرفی آنها به عنوان نمونه‌هایی از الگوهای موفق زنان کارآفرین، زمینه ارتقای جایگاه اجتماعی زنان کارآفرین و جلب توجه اقشار مختلف جامعه به آنها و به تبع آن، بهبود حمایت‌های اجتماعی از زنان کارآفرین فراهم شود؛ و
- ۴- با اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و آگاهی‌رسانی عمومی، زمینه رفع محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت و همچنین، موجبات اعتماد عمومی به توان زنان در عرصه کارآفرینی فراهم آید.

یادداشت

1. Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)

منابع

1. Alidoust, S. and Lashgarara, F. (2013). Barriers to entrepreneurship development in rural women (Case study: Garmsar). *Journal of Agricultural Extension and Education Research*. 6(1): 7-16. (Persian)
2. Badri, E. (2005). A survey of entrepreneurship capabilities of Isfahan University students. Master Thesis of Education, Faculty of Education and Psychology. University of Isfahan. (Persian)
3. Badri, E., Liaghatdar, M.J., Abedi, M.R. and Jafari, E. (2006). A survey of entrepreneurship capabilities of Isfahan University students. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 12(2): 73-90. (Persian)
4. Bali Swain, R. (2007). Impacting women through microfinance, dialogue. *Appui au Developpement Autonome*. 37: 61-82.

5. Chambers, R. (1997). *Whose reality counts? Putting the first last*. London: ITDG Publishing.
6. Choudhary, K.N. and Rayalwar, A. (2011). Opportunities and challenges for rural women entrepreneurship in India. *Variorum Multi-Disciplinary e-Research Journal*, 111(1): 1-4.
7. Driga, O., Lafuente, E. and Vaillant, Y. (2008). Reasons for the relatively lower entrepreneurial activity levels of rural women in Spain. *Sociologia Ruralis*, 49(1): 72-96.
8. Elisia, L., Mussa, A. and Akarro, R. (2010). Some factors that hinder women participation in social, political and economic activities in Tanzania. *Journal of Arts and Social Sciences*, 11(2): 1-10.
9. Faraji Sabokbar, H., Badri, S.A., Sojasi Qidari, H., Sadeghloo, T. and Shahdadi Khajeh Asgar, A. (2011). Entrepreneurship development ranking (gradation) in rural area by using PROMETEE technique. *Human Geography Research Quarterly*, 43(75): 53-68. (Persian)
10. Friedmann, J. (1992). *Empowerment: the politics of alternative development*. Cambridge, MA: Blackwell Publishers.
11. Gafari, H. (2008). Student entrepreneurship envisaged in Arak Payam Noor University. National Conference on Entrepreneurship Development in Applied Agricultural Science Education. Mashhad, Iran. (Persian)
12. Ganesan, S. (2006). *Status of women entrepreneurs in India*, New Delhi: Kanishka Publication.
13. Ghadermarzi, H., Jamshidi, A., Jamini, D. and Nazari, H. (2015). Identification of hampering factors affecting development of rural women's entrepreneurship (Case study: Shalil subdistrict, Ardal Couty). *Journal of Regional Planning*, 5(17): 103-118. (Persian)
14. Ghasemi, M. and Ahmadpour, A. (2015). Investigating the components affecting the success of carpet producer women in Mazandaran province. *Roosta Va Towse'e*, 18(3): 1-20. (Persian)
15. Golestani, H., Saadatmand, Z., Gholizadeh, A., Rajaeiyan, M.H. and Ehteshami, T. (2010). Factors affecting the development of entrepreneurship among female students. *Karafarinenaab*, 2(12): 61-65. (Persian)

16. Hassanzadeh, H. and Ahmadi, S.J. (2016). Comparing the entrepreneurial capacities of vocational training centers and vocational technical students and professionals. The 5th National and 4th International Conference on Skill Training and Employment. Tehran, Iran. (Persian)
17. Heilig, J. (2009). European rural development, Luxemburg: International Institute for Applied System Analysis.
18. Heydari Sareban, V. (2012). Prioritization of barriers effective on the entrepreneurship of rural women (AHP method): a case study of Ardabil province. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(2): 159-177. (Persian)
19. Howard, S. (2004). Developing entrepreneurial potential in youth: the effects of entrepreneurial education and venture creation. Florida: University of South Florida.
20. Hyden, G. (2001). Rural poverty, risk and development. Elgar Publication, 39: 124-127.
21. Jamini, D., Taghdisi, A., Alipoor, K. and Faizi, S. (2015). Factor analysis of hindering and drawing variables of entrepreneurship development among rural women in Iran: a case study of Ravansar County. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(1): 63-88. (Persian)
22. Kalantari, K., Shabanali Fami, H. and Soroushmehr, H. (2010). Facilitating and impeding factors in rural women economic enablement (Case study: Hamedan). *Journal of Community Development*. 1(2): 107-124. (Persian)
23. Karami, Sh. (2011). Rural women survey on the effect of new agricultural business development on rural sustainable development. Proceedings of the First National Student Conference on Entrepreneurship. Tehran, Iran. (Persian)
24. Khodashenas, M. (2010). Investigating the success rate of entrepreneurship and its factors and providing solutions for increasing entrepreneurship in cooperative sector of Mazandaran province. Master Thesis of Executive Master of Business Administration, Faculty of Social and Economic Sciences. University of Payam Noor, Sari. (Persian)

25. Lashgarara, F., Azizan, E. and Mehdizadeh, H. (2011). Factors influencing the effectiveness of entrepreneurship courses on agricultural graduates, Ilam province in Iran. *African Journal of Agricultural Research*, 6(14): 3428-3431.
26. Mahdavi, M. and Azari, Z. (2006). Employment generation by executives of state management and planning organization (SMPO) and its subsidiaries. *Journal of Management and Development Process*, 20(3): 13-27. (Persian)
27. Mardanshahi, M.M. and Dolati, E. (2015). Comparison of entrepreneurial abilities in students of Mazandaran University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 15(48): 381-390. (Persian)
28. Mirakzadeh, A. and Ghiasi, F.Gh. (2011). Prioritizing the factors affecting the development of employment in agricultural production cooperatives in Kermanshah province. The First International Conference on Capacities of Cooperative Sector in Social, Economic, and Cultural Development of the Ministry of Cooperatives. Tehran, Iran. (Persian)
29. Molenhuis, J. (1996). Agri-entrepreneurship: opportunities in Nova Scotia. *Management and Economics*, 6(8): 7-42.
30. Moradi, H. and Shabanali Fami, H. (2010). Identification of entrepreneurship capacity (Case study: female students of Agricultural and Natural Resources University of Ramin, Ahwaz. *Journal of Entrepreneurship Development*, 3(2): 141-161. (Persian)
31. Mousavi, S. and Nili, M.R. (2013). Student entrepreneurship capabilities at Isfahan University. National Conference on Entrepreneurial University (Knowledge-based Industry). Babolsar, Iran. (Persian)
32. Pardakhtchi, M.H. and Shafiezadeh, H. (2005). Introduction to entrepreneurship. Tehran: Arasbaran Publication. (Persian)
33. Rezaei, R. and Vedadi, E. (2014). Identifying and analyzing the barriers in women's economic participation in the rural regions of Zanjan province (Case study: Abharroud subdistrict). *Iranian Journal of Agriculture Economics and Development Research*, 45(3): 501-510. (Persian)
34. Riahi, V. and Nouri, A. (2015). Variation of economic activities and achievement of rural sustainability (Case: Khorramdarreh). *Iranian Journal of Space Economy & Rural Development*, 3(10): 113-128. (Persian)

35. Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development. Available at: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
36. Wendy, T. and Chong, S. (2007). Theorizing a framework of factors influencing performance of women entrepreneurs in Malaysia. *Asia Entrepreneurship and Sustainability*, 5: 42-46.
37. Yaghoubi Farani, A., Soleymani, A. and Movahedi, R. (2015). Analysis of factors affecting the entrepreneurship of rural women. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*. 12(4): 7-42. (Persian)
38. Yaghoubi Farani, A. and Sepahpanah, M. (2016). Entrepreneurial talent of rural youth in Gilan-e Gharb. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*. 3(3): 1-17. (Persian)
39. Yasouri, M., Ghorashi, M. and Vatankhah, Z. (2015). Analysis of barriers and solutions to the development of rural women's entrepreneurship in Gurabpass subdistrict of Fouman County. *Journal of Rural Research*. 6(2): 323-342. (Persian)
40. Zarei Pahnecoulai, S.H., Ahmadpour, A. and Charmchian Langeroudi, M. (2013). Factors affecting entrepreneurship development in women's rural cooperatives in Mazandaran province. *Cooperation and Agriculture*, 2(7): 79-100. (Persian)
41. Zari' Ahmad Abadi, H. and Arabshahi, S. (2013). The requirements of the entrepreneurial training of rural women (A case study of rural women in Yazd County). *Shiite Women*, 8(26): 49-71. (Persian)